

نامه ای به همکاران عزیز جغرافیدانان ایران

از: دکتر محمد رضا حافظ نیا

تهران - ۱۳۹۴/۹/۱۵

باسلام و احترام؛

پیرو مباحث مطروحه در اجلاس بزرگ اساتید محترم علوم جغرافیایی دانشگاه‌های کشور که از تاریخ ۱۸ تا ۲۰ شهریور ماه ۱۳۹۴ در دانشگاه تبریز و با مدیریت عالی و میزبانی کریمانه آن دانشگاه برگزار شد، به عنوان رئیس کمیته برنامه ریزی علوم جغرافیایی، لازم دانستم از سر دلسوزی و احساس وظیفه نسبت به سرنوشت علم جغرافیا به عنوان سرچشمه هویت آکادمیک و اجتماعی همه ما، نکاتی را به شرح زیر به استحضار شما عزیزان برسانم:

الف) ظرفیتها و ضرورتها

۱. علوم جغرافیایی در ایران به همت والای اساتید بزرگوار آن در گذشته و حال به سطحی نائل آمده که امروزه به عنوان یک نظام علمی توانا و کارآمد در محافل دانشگاهی و اجرایی کشور مورد توجه قرار گرفته است، و این خود سرمایه ارزشمندی برای جامعه جغرافیدانان ایران به حساب می‌آید.
۲. بلحاظ فلسفی علم جغرافیا و رشته های تخصصی آن، موضوع مورد مطالعه خود را فضای جغرافیایی به مثابه زیستگاه ابناء بشر و سازه های انسانی مربوطه در مقیاسهای مختلف (محل تا کروی و جهانی) قرار داده است. بنابراین علم جغرافیا از حیث بنیادی علم فضا شناسی و کشف قوانین، حقایق، مدلیها، فرآیندها، ساختارها، روندها، کارکردها و ابعاد مختلف فضا بوده و به تولید دانش و معرفت فضائی در قالب نظریه ها و گزاره های علمی می‌پردازد. همچنین علم جغرافیا از حیث کاربردی علم فضا سازی، یعنی برنامه ریزی و ساماندهی یا آمایش بهینه مکانها و فضاها (در مقیاسهای مختلف) و خلق زیستگاههای مطلوب و بهینه برای زندگی ابناء بشر و سازه های انسانی مربوطه مبتنی بر نظریه ها و گزاره های بنیادی می‌باشد.
۳. کم آگاهی حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فنی کشور از ماهیت و قابلیتهای علمی و تخصصی علوم جغرافیایی، و نیز غفلت آنان در کاربرد تخصصهای جغرافیایی در مدیریت سیاسی و اداره امور کشور، ساماندهی و آمایش مکانها و فضاها، برنامه ریزی های توسعه، فراوری منابع و بنیادهای زیستی، مکانیایی فعالیتها و غیره، منجر به بروز ناهنجاریهای فضائی، بیعدالتی جغرافیایی، تخریب ارکان جغرافیایی کشور، بحرانهای محیطی و زیست محیطی، چالشهای فزاینده، شکل گیری تهدیدات زیستی؛ اجتماعی؛ سیاسی و اقتصادی برای شهروندان ایرانی شده است و آینده نگران کننده ای را برای زندگی انسان ایرانی متصور می‌کند. بنظر می‌رسد همه اینها براساس تبیین ها، تحلیل‌ها، و کارکردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فنی متولیان مربوطه که خواسته اند نقش مکان و فضا را در رابطه با آنها انکار نمایند پدید آمده است. بنابراین راه برون رفت از بحرانهای فزاینده کشور و تضمین آینده ای امید بخش برای شهروندان ایرانی، بازگشت متولیان



امور فوق(درحوزه های سیاسی، نهادی، اجتماعی و شهروندی) به علوم جغرافیایی و لحاظ کردن مولفه بنیادین مکان و فضا در تبیین ها، تحلیلها و کارکردهای فوق الذکر می‌باشد.

۴. علوم جغرافیایی مبتنی بر فلسفه و ماهیت خود، نسبت به رشته های علمی دیگر توانایی و صلاحیت بیشتری برای انجام امور زیر دارد:

- ساختار شناسی فضاهای جغرافیایی به عنوان زیستگاه سازه های انسانی و اجتماعی؛
 - کشف و تبیین قوانین، حقایق، مدلها، روندها و فرآیندهای حاکم بر فضا؛
 - کشف ناهنجاریهای فضایی و تضمین تعادل سیستماتیک فضا و زیستگاههای انسانی؛
 - برنامه ریزیهای مکانی/ فضایی (شهری، روستایی، منطقه ای و گردشگری)؛
 - آمایش و ساماندهی همه جانبه مکانها و فضاها (زیستی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی)
 - مدیریت سیاسی فضا بویژه کشورداری و اداره سیستمهای سیاسی/فضایی؛
 - تبیین رابطه دینامیکی و دیالکتیکی سیاست و فضا؛
 - تبیین ژئوپلیتیک و جغرافیایی زیرساخت سیاست داخلی و خارجی کشور؛
 - تبیین ابعاد مکانی/ فضایی نهادها و سازه های حقوقی و قانونی (قوانین اساسی و قوانین عادی حکومتیهای محلی و ملی)،
 - تصویر سازی و تولید نقشه و تحلیل فضایی پدیده ها؛
 - تبیین روابط طبیعی و اکولوژیکی حاکم بر پدیده های فضایی/ مکانی نظیر تالابها، جنگل ها، رودخانه ها و دریاچه ها؛
 - تصویر برداری، تبیین و تفسیر استاتیک و دینامیکی فضای جغرافیایی.
 - تبیین و تنظیم عناصر و ارکان طبیعی و زیر ساختی فضا با عناصر و ارکان رو ساختی آن به عاملیت سازه انسانی ساکن.
 - مراقبت بر حفظ تعادل مکانها و فضاهای جغرافیایی و پیشگیری از بروز بحران و خطر و انهدام سرمایه های انسانی و اقتصادی در آنها؛
 - آمایش و مدیریت بهینه سیستم های سرزمینی کشور؛
 - تبیین و تضمین امنیت پایدار (انسانی، سیاسی، طبیعی و بهداشتی) در زیستگاههای انسانی.
 - تشخیص و تبیین سطح پایداری و طاقت عناصر و اجزای سیستم فضای جغرافیایی در فرآیند بارگذاری فشار توسعه؛
 - تضمین آرامش، توسعه، تعادل و رضایت از زندگی برای شهروندان ساکن در فضا.
- " علم جغرافیا ذاتاً صلح گراست و اساساً به آرامش، پایداری و تعادل اکوسیستم جغرافیایی به عنوان زیستگاه سازه انسانی وابسته به آن می‌اندیشد، نه به تخریب و بحرانی شدن آن "

ب) چالشها:

علی رغم وجود فرصتها و ظرفیتهای فوق، علوم جغرافیایی همواره به چالشهایی روبرو می‌باشد، که به عنوان عوامل باز-دارنده در برابر پیشرفت علمی و کارآمدی آن عمل می‌کنند و عمده آنها عبارتند از:

۱. تصورات نادرست، غیر علمی و ناکارآمد از علوم جغرافیایی در ذهن شهروندان ایرانی و متصدیان امور کشور، اعم از بخشهای دولتی، عمومی و خصوصی که عمدتاً ناشی از آموزش مدرسه ای جغرافیا در آموزش و پرورش است (از دارالفنون تاکنون)، که نتیجه آن پیدایش نگاه نامطلوب به جغرافیا در ذهن جامعه می‌باشد.



۲. عدم اهتمام جدی به شکسوتان و بررگان علم جغرافیا از زمان تأسیس دانشگاه در ایران تاکنون، در سازماندهی یک نظام علمی و فلسفی منسجم، پویا و زاینده برای جغرافیا، و نیز عدم ورود مطلوب معرفت جغرافیایی به حوزه رفع نیازهای فضایی شهروندان ایرانی.
۳. نفوذ برخی از رشته‌های غیر جغرافیایی به قلمرو معرفتی و علمی جغرافیا و کنار گذاشتن علم جغرافیا و جغرافیدانان از آن. (برای مثال جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، اقتصاد، سیاست، روابط بین‌الملل، محیط زیست، نقشه برداری، هنر، معماری، گردشگری، اکولوژی، منابع طبیعی و مدیریت برخی از قلمروهای ذاتا جغرافیایی را به تصرف خود درآورده و در آن جغرافیا را نیز به رسمیت نمی‌شناسند). البته شاید، ضعف تخصصی و عدم اهتمام جغرافیدانان در پاسخگویی به نیازهای اجتناب ناپذیر جامعه و کشور، رشته‌های دیگر را اجباراً به وادی قلمرو معرفتی علم جغرافیا کشانده باشد.
۴. بحران جایگاه و موقعیت جغرافیا در نظام معرفتی بشر و نداشتن استقلال ذاتی و اصالت علمی، و برعکس قائل شدن موقعیت انضمامی و اتصال پارازیتی به حوزه‌های مختلف نظیر علوم اجتماعی، علوم طبیعی، علوم زمین، علوم انسانی، علوم زیستی، علوم محیطی و...
۵. بحران ابراز هویت و اعتماد به نفس رشته‌ای و احساس رضایتمندی ضعیف جغرافیدانان از تعلق خود به نظام علمی جغرافیا و سعی بر کتمان یا انکار آن، و یا برعکس ابراز هویت در پرتو عناوین فرعی نظیر: برنامه ریزی شهری، برنامه ریزی روستایی، برنامه ریزی گردشگری، برنامه ریزی منطقه‌ای، آمایش سرزمین، ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل، هواشناسی، ژئومورفولوژی، مهندسی، اطلاعات مکانی، نقشه برداری، سنجش از دور و...
۶. ظهور و تکرر واژگان بدلی و رقیب به عنوان جایگزین واژه «جغرافیا». به عبارتی جغرافیا زدایی و یا زدایش عنوان «جغرافیا» از متنهای مختلف (اعم از شفاهی، کتبی، تصویری، علمی، غیر علمی، رسانه‌ای و...)، به عنوان مثال عناوین و واژگان: محیط زیست، زیست محیطی، اکولوژیک، اقلیمی، بوم‌شناختی، مکانی، فضایی، محیطی، منطقه‌ای، زمینی، سرزمینی، قلمروی و غیر آن توسط کاربران در متنهای تصویری، شفاهی، کتبی و رسانه‌ای، بجای واژه «جغرافیا» استفاده می‌شود که در صورت استمرار آن، واژه «جغرافیا» به عنوان یک نظام علمی بتدریج از متنها و ذهنیت جامعه حذف شده و به فراموشی سپرده خواهد شد.
۷. بروز رقابتهای بی‌معنی و مخرب و به عبارتی منزلت‌پنداریهای موهومی، که خطر نزاع درون رشته‌ای در بین رشته‌های علوم جغرافیایی را در پی خواهد داشت.
۸. سیاست دفتر برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مبنی بر تجمیع رشته‌های مقطع کارشناسی علوم جغرافیایی در حوزه برنامه ریزی، و تقلیل آن از هفت رشته تخصصی به یک رشته عمومی که خطر نابودی رشته‌های تخصصی علوم جغرافیایی را بدنبال خواهد داشت. سیاستی که عام‌گرایی را جایگزین تخصصی‌گرایی می‌نماید و زمینه اشتغال و بازار کار را از فارغ‌التحصیلان علوم جغرافیایی سلب می‌کند. البته اینجانب و کمیته برنامه ریزی علوم جغرافیایی مصرا نه خواستار لغو سیاست مزبور هستیم.



ج) توصیه‌ها

۱. از اساتید و همکاران عزیز جغرافیا بویژه جوانترها، انتظار می‌رود احساس مسئولیت بیشتری نسبت به سرنوشت علم جغرافیا در کشور بمانند و در فرآیند ارتقاء موقعیت و منزلت علوم جغرافیایی فعالانه مشارکت کنند، و توقع نداشته باشند که امثال بنده به تنهایی بتوانیم بار سنگین کار را به دوش بکشیم. بنده سی و پنج سال عمر خود را در کنار اساتید و همکاران عزیز جغرافیدان بر سر راه اعتلای علوم جغرافیایی در ایران گذاشتم ولی اکنون احساس خستگی می‌کنم. در عین حال کماکان در کنار شما به تلاش خود ادامه خواهم داد. برای کسانی که می‌خواهند در این زمینه بکوشند مدل راهنمای ضمیمه تحت عنوان:

«ابعاد استراتژی توانا سازی جغرافیا در ایران» را که در سال ۱۳۸۸ تدوین کرده ام تقدیم می‌نمایم.

۲. اصلاح بنیادین رویکرد و محتوی کتب جغرافیا در آموزش مدرسه ای وزارت آموزش و پرورش را باید جدی گرفت و به مسئولین و کارشناسان محترم آن وزارت در تدوین برنامه و محتوی کتب جغرافیای مدارس کشور کمک کرد تا تصویری خوب، جذاب و مناسب از معرفت جغرافیایی در ذهن دانش آموزان ایجاد شود. آنها شهروندان آینده کشور را تشکیل می‌دهند و هر تصویری که در مدارس از جغرافیا در ذهن آنان ایجاد شود با همان تصور درباره ماهیت و کارآمدی جغرافیا قضاوت خواهند نمود. تمام بازیگران فردای جامعه اعم از حوزه سیاست و حکومت، اجتماع، اقتصاد، مهندسی، نظامی، امنیتی، پزشکی و درمانی، دینی و مذهبی، بخش دولتی، بخش خصوصی، مدیران، کارشناسان، نخبگان اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و شهروندان عادی از بین دانش آموزان کنونی مدارس ساخته خواهند شد. بنابراین کلید اصلی حل مسئله در کتب جغرافیایی مدارس قرار دارد. باید نظریه و رویکرد حاکم بر تدوین برنامه و محتوی آن تغییر اساسی نماید. جغرافیا باید به عنوان یک رشته علمی و تخصصی و نافع برای زندگی آینده بشر همراه با مثالهای ملموس، جذاب و قابل درک در کتابهای مدارس جلوه داده شود.

۳. اساتید و همکارانی که در حوزه فلسفه علم تلاش می‌کنند، نسبت به تدوین و تبیین چارچوب فلسفی، ماهوی و معرفتی نظام علمی جغرافیا با رویکردی اجتهادی (نه روانی و نقلی) اهتمام بورزند تا مسیر پویای علمی جامعه جغرافیدان ایران شفاف و روشن باشد و بتوانند نظریه های تبیینی برای کشف جهان، و نیز مدل‌های کاربردی برای رفع نیازهای بشر و خلق زیستگاهی مناسب برای زندگی بهینه سازه های انسانی را تولید نمایند.

۴. بر ابراز هویت جغرافیایی خود تأکید کنیم، و از اینکه خود را جغرافیدان بدانیم افتخار نماییم و این موضوع را با اعتماد به نفس بیان کنیم. همیشه و در همه جا و در تعامل با دیگران، اول خود را جغرافیدان معرفی کنیم، بعد به تخصص فرعی خود اشاره نماییم. باید توجه داشته باشیم که اگر خودمان، خود را قبول نداشته باشیم نباید انتظار داشت که دیگران ما را قبول داشته باشند. اگر ما با ایمان و اعتماد به نفس قوی به هویت تخصصی خود یعنی «جغرافیا» باور داشته باشیم، آن وقت می‌توان توقع داشت که دیگران ما و جغرافیا را قبول داشته باشند.

۵. مراقب ترویج واژگان بدلی، و خطر جغرافیا زدایی و یا زدایش واژه «جغرافیا» از متنهای نوشتاری، گفتاری، تصویری و رسانه ای باشیم. سعی کنیم در متن های علمی، کاربردی، رسمی، حقوقی و رسانه ای و متناسب با شرایط، واژه «جغرافیا» و علوم جغرافیایی را درج و برجسته نماییم و خودمان کمتر از واژه های بدلی و رقیب استفاده کنیم.



۶. ما جغرافیدانان باید از شنا سه هویتی خود (یعنی جغرافیا) در سپهر معرفتی بشر دفاع کنیم، و بر ذکر این واژه در متون رسمی مرتبط با آن اصرار بورزیم. بخصوص در بخشهای مربوط به اسناد رسمی یا سیاسی و بالا دستی کشور نظیر اسناد آمایشی، برنامه ریزی های توسعه ملی، محیط زیست، دفاعی و امنیتی، مدیریت سیاسی فضا، مناسبات بین المللی، توسعه علمی، برنامه ریزی های کالبدی و سکونتگاهی (شهری، روستایی، گردشگری و منطقه ای). باید عین واژه و اصطلاح جغرافیا و یا علوم جغرافیایی در آنها درج و برجسته شود، تا تضمین کننده حفظ جایگاه آکادمیک و کاربردی علوم جغرافیایی و نیز حقوق صنفی و شغلی جغرافیدانان ایران باشد. بویژه اینکه گویا برخی از جغرافیدانان ایران در تدوین برخی اسناد مزبور و یا اسناد منتشره از سوی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام مشارکت دارند.

۷. همچنین از همکاران عزیز توقع می رود که به هنگام مصاحبه با رسانه های ارتباط جمعی بر معرفی خود به مخاطبان رسانه به عنوان جغرافیدان تأکید نمایند. (توضیح اینکه، سرمایه اجتماعی و سود حاصله از مشارکت در تدوین اسناد بالا دستی مزبور و یا فعالیتهای رسانه ای نصیب سایر رشته ها شده و جغرافیدانان ایران از مزایای اسناد فوق بی نصیب مانده اند).

۸. در همه جا بر وجود ذات مستقل نظام علمی جغرافیا در سپهر معرفتی بشر تأکید کنیم و از قرار دادن جغرافیا ذیل نظامهای علمی دیگر و قائل شدن موقعیت پارازیتی برای آن جداً پرهیز نمائیم. جغرافیا مبتنی بر فلسفه و ماهیت خود یک نظام علمی اصیل و مستقل و برخوردار از دو وجه بنیادی و کاربردی است. بنابراین نباید آنرا ذیل عناوینی چون: علوم اجتماعی، علوم زمین، علوم انسانی، علوم محیطی، علوم اقتصادی، هنر، برنامه ریزی و غیره قرار داد.

بر این اساس در نظام علمی کشور و ساختار دانشگاهها، علوم جغرافیایی باید در قالب دانشکده ها و پژوهشکده های مستقل تحت عنوان « دانشکده / پژوهشکده علوم جغرافیایی » سازمان پیدا نماید.

۹. از ایجاد و توسعه حساسیتهای درون رشته ای که کدورت آفرین است باید پرهیز نمود. تمام رشته های علمی از جمله علم جغرافیا به جای خود اهمیت داشته و بلحاظ هستی شناسی ضروری می باشند و همه با هم سپهر معرفتی بشر را تشکیل داده و مکمل هم بوده و نیازهای متنوع بشریت را پاسخ می دهند. در درون نظام علمی جغرافیا، رشته ها و تخصص های علوم جغرافیایی اجزای یک پیکر بوده و مکمل هم هستند. هر رشته از رشته های علوم جغرافیایی بعدی از فضای جغرافیایی را مطالعه نموده و به یکی از ابعاد نیازهای فضایی انسانها نیز پاسخ می دهد. بنابراین رشته های علوم جغرافیایی باید با هم سینرژی و هم افزایی داشته تا بتوانند با کمک یکدیگر جامعیت مطالعاتی فضای جغرافیایی و پاسخگویی به ابعاد مختلف نیازهای فضایی سازه های انسانی را تحقق ببخشند.

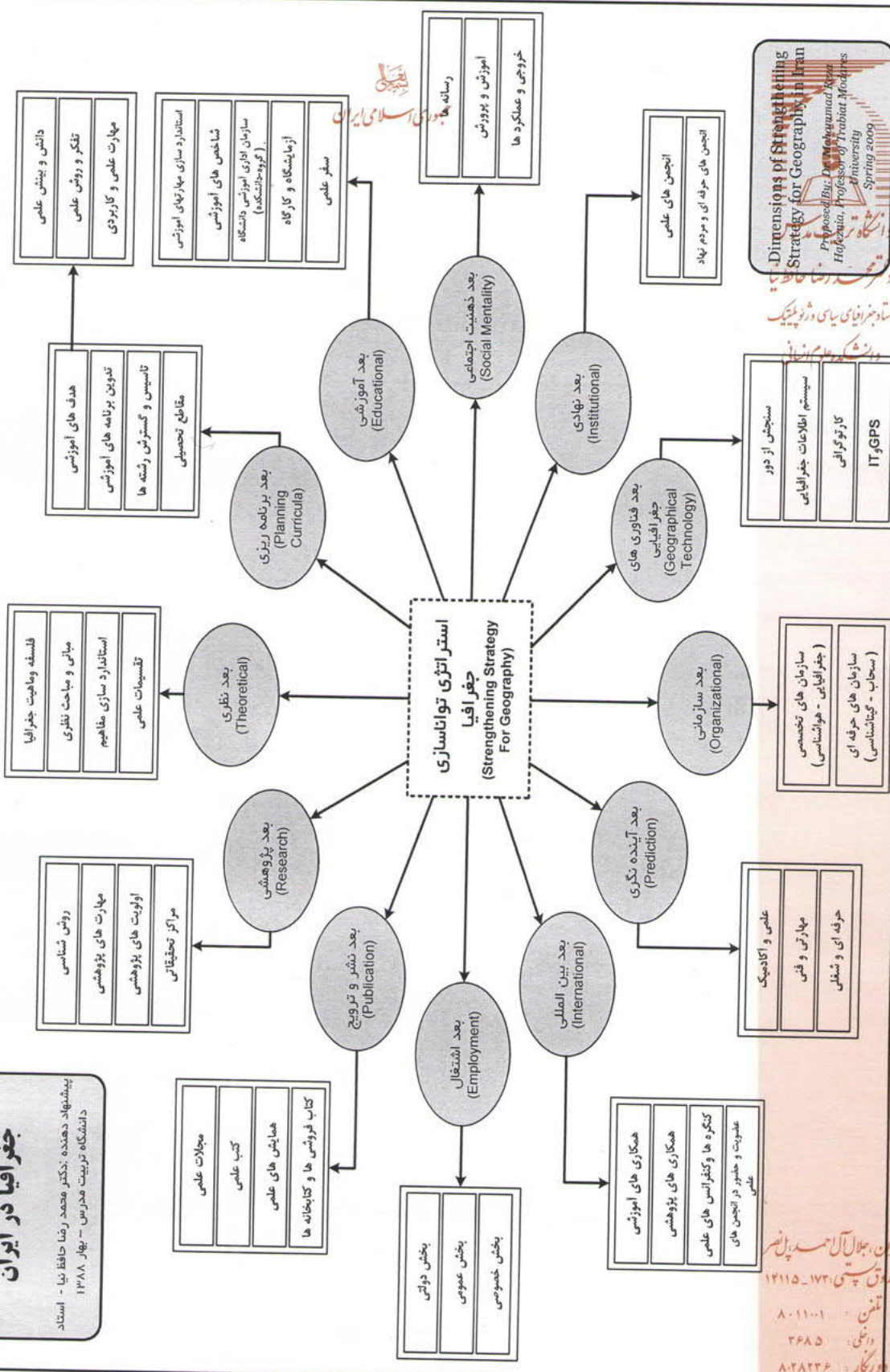
با آرزوی توفیق برای همه جغرافیدانان ایران

ارادتمند: دکتر محمد رضا حافظ نیا

رئیس کمیته برنامه ریزی علوم جغرافیایی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران-۱۳۹۴/۹/۱۵

استراتژی تواناسازی جغرافیا
 (Strengthening Strategy For Geography)



ابعاد استراتژی تواناسازی جغرافیا در ایران
 پیشه‌پهاد دهنده: دکتر رضا حافظ نیا - استاد
 دانشگاه تربیت مدرس - بهار ۱۳۸۸

ترتیب: جلال آل محمد پور
 مشهد: پستی ۱۷۲۰-۱۳۱۱۵
 تلفن: ۸۰۱۱۰۰۱
 ر.ن.ی: ۲۶۸۵
 پ.ک.ت: ۸۲۴۳۲۶